

مجلس اعتبارات سراسری
سردبیر: عباس نراقی
جای اداره: میدان بهارستان

مردم

بهای اشتراك:

سالیانه ۱۲۰ ریال
شش ماهه ۷۵
سه ماهه ۴۰
تک شماره پنجاه دینار

بهای آگهی: صفحه سه، ۱۰۰ ریال؛ صفحه چهار، ۳۰۰ ریال

جمعه هفدهم همین ماه ۱۳۳۰

سال نعت شماره ۶

روزنامه یومیه نظر

این روزنامه پشتیبان کسانی است که با فکر یا با زوری خود دگر کرده و از حاصل دسترنج خود نان و پیشروند

اعتبارات بانکی را محدود کنید

امروز سه بانک مهم دولتی در این کشور موجود است که هر یک وظیفه مهمی داشته و هر کدام اعتباراتی یکسره سرمایه داران ما میدهند.

۱- بانک ملی ایران دو وظیفه دارد یکی نشر اسکناس که از گفتگوی این مقاله خارج و دیگری ترویج و جریان دادن امور بازرگانی و انتضالی کشور. بانک ملی برای هر بازرگان با سنگه انتضالی اعتباراتی قائل شده و بر این اساس کار آنها کمک مالی کم و بیش به هر کدام یکسره است. اعتباراتی که آنها برای تجارت برات های آنها را می خرد حساب جاری آنها را نگاه میدارد و امده میدهد پول آنها را بوجه قبول کرده و بیره به آنها میپردازد و بطور کلی مساعدت لازم را با همه آنها می کند.

شده که نظارت و محدود کردن اعتبارات های اجناس موجوده را موقوف الی مابین خواهد آورد و بوسیله تخصص دادن آن اعتبارات بولت میتوان اجناس لازم را از خارج وارد کرده و بهای عادلانه ای فروخت مشروط بر آن که دولت مصممی سفارش دادن و وارد کردن این اجناس باشد و بوسیله آوردن پول بوسیله جیره بندی عادلانه در سراسر همگان گذاشته شود.

برای توضیح این مطلب سیاست بست که مثنی در اینجا ذکر شود چینی پیش نول و زوین و شکر از خارج آزاد کرد چند بازرگان بوسیله اعتباراتی که از بانک هایست آورده بنگر گشتی شکو خارج سفارش دادند که پول از ورود این گشتی که گویا در هزار تن شکر داشته هزار و چهار صد طره معافه را جمع باین شکر شده و بالاخره شکری که هر یکس شاردن الی هفده ریال برای آنها وارد شده بود امروزه چهار و پنج تومان فروخته میشود.

حالا اگر این شکر را خود دولت وارد میکرد و بهای جنس را بوسیله فروخت جداگانه برای خریداران صرف داشتند تا آنکه اگر دولت بوسیله محدود کردن اعتبارات بانکی بخواهد اعتبارات بقیه باقی دولت بجهت ترویج اجناس و بالا بردن بای جنس را جلوگیری کند استفاده چنان مبالغه و فوغالی بر پا خواهد کرد و از آزادی تجارت و با بقیه ضمانت کرده و بجزار و بیست و هجده خواهد شد و وقتی دولت باقی شهان به خرج داند و باین شهان را که با آرایش مردم سیر می کنند گویا کند بولت ایرانی نرسد و امروز بشتیان دولت بولت و از هر بازی و شکی بخرج خواهد کرد.

۲- بانک کشاورزی و پیشه و هنر از حیث اساس این بانک برای دادن اعتبارات و سرمایه داران کشور تاسیس شده و اعتباراتی که داده و کمک مالی که نموده بجمع قسمت کشور بوده است.

حیضه ما سراسر مایه این بانک باید مینون ما ریال آورده شود و این بانک وسیله ای باشد که املاک را از مالکین کسوی خرید و به بزرگان و دهقانان باسقاط عروشه و این بازی انحصار املاک در دست مملکتی که در هیچ حیث دنیا سابق ندارد از میان بردارد پس ما با پیشنهادی سودمندی داریم که در آینده برای خوانندگان خود خواهیم نوشت و اینک با انحصار برداشته و میگوئیم وضع گونی بخرید کشور و باین روش بخرید است.

۳- بانک رهوی این بانک هم از ابتدا برای این وجود آمده که اعتباراتی در مقابل وثیقه بپردازد تا آنها قادر باشند اینه و اعتبارات شوند.

بر واضح است که جرس مایه داران دیگری وثیقه ای نداشتند که در مقابل وام

بانک معدوم اعتبارات این بانک بدست کسانی افتاده است که اعتباراتی ساخته و بخر گرامی بپرد اجاره میدهند.

علاوت دیگر سر مایه این بانک که از مردم عنوان مالیات گرفته شده صرف ساختن اسیه ای شده است که همان مردم مالیات دهنده باید بهای گرامی اجاره کنند و گروهی از سرمایه داران که وثیقه داشته اند بولی بجهت آوردن و خانه های ساخته و پس از چند سال از اجاره وام خود را بانک پس داده و صاحب خانه و اعتبارات هم شده اند.

چهارم بود اگر دولت سر مایه این بانک را بشهر داری ها مصادف که آن ها خانه های کوچک فتنگی ساخته و به مردم بی خاصان باسقاط مفروضه بالا بخر ماسی اجاره میدهند.

سرخ ماسی این کار هم بی آسان است و تنها چیزی که لازم باشد حسن بست و فکر آسایش نولت مردم است.

اجبار جنگ

اضطراب آلمان و رفتن گورینگ ۴ رم

گورینگ وزیر نیروی هوایی آلمان سمت ماسه کی مخصوص هیتلر به رده مناسرتی گرفته و موسولینی را ملامت گرفته است. درین ملامت گورینگ تراجم به جنبه شمال افریقا مفاکرانی کرده و از موسولینی عاضا کرده است چنانکه لشکر سرباز آلمانی به جنبه روسیه اعزام دارد که در حملات قابل بهای شرکت نمایند.

ناوود شدن يك لشکر ژاپونی

مزاریکه سحران چون کیتک اظهار داشته است لشکر هفدهم ژاپن که در جنگ های شبه جزیره مالاکا شرکت داشته کتکی نابود شده و حدود هزار سرباز ژاپونی را به سالیگون فرستاده اند.

تخصیص گشتی ساخت امریکا وارد شد

چندی پیش انگلستان به درخواستهای گشتی سازی امریکا سفارش داده ای برای ساختن یکصد و شانزده گشتی های بزرگ که نامشود ایکس گشتی موسوم به پیش فرول اوپالوس به طریقت ۷۰۰۰ تن ساخته و تحویل داده شده است و مدت ساختن این گشتی فقط چهار ماه بوده است. در آینده نزدیک تعداد زیادی از این گشتیها تحویل داده خواهد شد.

جنگ و زمستان

ولی نیکلاس استرلینسک - بلینا صورت میگیرد ممکن است در آینده نزدیک که در چین بر آلمان مساحت کند که بعضی تقریباً چهار صد کیلومتری مسکو واقع است عقب نشینی کند و بجهت لنینگراد هم عملیات ادامه دارد.

ولی چون در آن نقطه هنوز سه ماه باقی زمستان مانده است فرصت بسیاری در پیش است و بنگر در این امر را میتوان بر اثر اجساد یکی از مواقع هفده سربازهای آفرین پیروی شوروی و آلمان ثابت شده است. کس باقیات این دو نیرو مشاهده میشود. ی شک پیروی هوایی آلمان سرباز هوایی در مقابل خط جبهه جوارز داشته و تلفات پیروی هوایی آلمان در این سرباز بوده است. مهارت و آمودگی خلبان آلمانی نسبت سابق خیلی تفاوت کرده و از همسایه کرده و دیگری خلبان روسی بیشتر است. اگر چه است. ارتش سرخ آلمانی میخانه که پس از رسیدن ارتش شوروی این دوره خانه ارتش آلمان در مقابل جنگی از گریه خود عقب نشانی آلمان با درجه و سایر فرودگاه برای صیانت فلزات اعیان سربازی داشته و امید آلمانها از زمین گنهای است عمل جاس خواهد کرد و فرضا هم که در هوا آلمان بوزر معوض این خانه باشد ارتش سرخ تا آوانت بازمزای پیرومنه خواهد بود که آزادی زمین غده را برای همیشه بدهد.

ارتش سرخ در آن چند روز اخیر حملات خود را بیشتر موجه بازرگانی و جنوب روسیه کرده و مازال پیوسته جنگ امارات موق المانهای گوش می کند که هر چه زودتر از خود بفرستد و گران های دریای آزوف را از دست آلمان پاک نماید. علت این اقدام آن است که زمستان و یخ زمان جنوب روسیه روزگار تمام شده و با اواخر اکتبر ماه یخ برف آن آب خواهد شد و تمام سطح زمین بر آب و گل شده و آوانت عملیات جنگی بالطبع متوقف خواهد شد. فوجات ارتش سرخ درین ناحیه اکنون سرخوش پیش رفته و اندواری گدال می رود که شهر خارکف برفی بجهت سربازان شوروی بقیه زمین می رود و این بوج قطع هوا غلظتی خواهد بود که خطه آلمانها را بقیه جزیره گریه بفرزای می کند و همه گریه اندواری هست که پس از رسیدن ارتش شوروی این دوره خانه ارتش آلمان در مقابل جنگی از گریه خود عقب نشانی آلمان با درجه و سایر فرودگاه برای صیانت فلزات اعیان سربازی داشته و امید آلمانها از زمین گنهای است عمل جاس خواهد کرد و فرضا هم که در هوا آلمان بوزر معوض این خانه باشد ارتش سرخ تا آوانت بازمزای پیرومنه خواهد بود که آزادی زمین غده را برای همیشه بدهد.



هیتلر چیزی که دام میخواستند شد پشت آن کوه است
المر: دست ما کوناه خرمایر نجل

بازرگانان روسی با سنگه های اعتباراتی هم کوشش می کنند که بوسیله اعتبارات بانک و کمک مالی که به آنها میشود حد اکثر استفاده را بنمایند اما باید دید که این استفاده را چه کسی میکند و سونقی را که میرسد از چه راهی بجهت میاورند. شاید گفته شود که در مواقع جنگ و اولاتی که چرخهای بازرگانی جهان در حرکت است بازرگانان ما جنس های صادراتی را خریدند و بخرای کشور بی فرستند و در موهوم اجناسی که مورد لزوم است وارد آن می کنند.

و با اینکه زمستان سنگه های اعتباراتی بوسیله اعتبارات بانکی که بدست میاورند مواد اولیه را خریدند و در کارخانه های خود آنها را تبدیل بجنس تمام شده کرده و در دسترس عموم میگذارند.

امروز وضع بازرگانی جهان شوروی است که چرخهای بازرگانی حواییه و از هر جنبه وارد باخارج شود تحت نظارت دولتهای است که در جنگ میباشد و آنها هم ترجیح میدهند که با دولت معامله کرده و با افراد سر و کاری نداشته باشند بازرگانان ما هم از این اب گن آلوده مایه گرفته و با اعتباراتی که از بانک تحصیل می کنند اجناس موجوده را دست خرد بفرش کرده و بهای آنها را بالا میرند از طرف دیگر رفتاری که کارخانه های داخلی با مردم کرده و میکنند و اجناسی که از افراد گران فروش تحصیل می کنند با اندازه ای زیاد است که دیگر پوشاندن آن برای خود آن هاهم مقدور نیست.

امروز اولیای دولت میتوانند بوسیله محدود کردن اعتبارات و صدور دستور های لازم بپانکسلی و بانک های دیگر بهای اجناس را پایین آورده و این بازی عطشی که برای مردم تهیه شده و رفع یا تبدیل نمایند.

با یک معالجه منضمی نانت خواهد

خانه‌های را که من اداره می‌کنم

از موسی که چشم باز کرده ام تا اکنون با سبزی زشت زندگی و سختی زور و هشم.

اسم مرا باید در نشر بگشاید هر چه در مرغی که در آن استماع بریا است زبان خود را من سرسانه مثل اسک که برای تحمل ناملایمات ساخته شده‌ام.

آهوی که حاضر دارم اوضاع اولیه زندگی ما نبود ولی در خانه که دو زوجة پندرم می‌زیستند هوشم و قویا بود سبب آن شد که شوهران دورن ناسازگار من و خراب بابت صورت ته دورا سازگار میکرد و داخل میشد بر اثر فرزند زنها سخته معنوی ایجاد میکرد. زیرا پندرم مرتفی غصصای مزاج بود تحمل گوشت و کباب زلفا زلفا باورده باینبار کردن باده با شتاب از دوری سفره شاه حکم افغانه میسود و بزودی حرم و داد و بی‌داد و کت کاری صورت رسوائی آوری موجب جلب توجه دو همسایه ما میشد.

در این جریان زن عزیز و شوگی پندرم بر اثر حادته ای مرد و در تنه من و صدای خانه کسی تحقیر پیدا کرد ولی چون پندرم در اثر کثرت استعمال پوشانه های رنگارنگ الکلی شمع و وجدان مولدا از دست داده بود خانه دچار وضع رفت باری شد.

باین که از تحمل خود منقلب گردید و خانه نشینی و بیگاری و گریانی اجباری کرد که معترض می‌بودند گند باد دست بر داند بود لذا فریب و پرورش انبیا شروع شد و جاز و جنجال و دعوا و جدال ممان و پسر هر روز بر سر فروش آتیه و مساجد سنگران دم در خانه بالا می‌گرفت چند روز صلح و صفا برقرار می‌شد و باز دوباره صفا ای که من از آن خبر نداشتم محسوس میگردد.

وضع معنوی زندگی ما رو به تزلزل رفت. خانه نوسن احاطی بنشیند. فرش قالی بریلان. شتاب جیبی شکافه کاشی وین در حلال این نوع معنوسه میرسد و بخصوص گوشه داشتیم که با نفعان همه گونه و وسایل چیزی با نوروز زیر امیدی که آینه این خانواده و برادر و خواهر کوچک من بستگی دارد ولی روح دخترانه ام چنان غصای میبید که وصف نمیکند. شش بود که متکلی خود را از شک ترسیدم و وقتی زندگی رفت باز خود را که نتیجه هرج و مرج اجتماع. نتیجه بودن توانایی و تربیت

از من صوفی جوانان مرده است زیرا تلاش و مشاق وقت آبرو نمیدهد که جامع بر کسی برساند یا بشد. علی بن ابی طالب از صبح تا غروب مشق میکند و مشق میکند. صفت میخورد. صفت میخورد. کار می کند. تا حقوق بسیار کسی کوی گیم. صفت میخوان چون غصای هر روز و هر شب آنگونه را که کسرا کیم و گناه لیس که بیانی حرم و هرگز حرام نکند که سستی بر روی انضامی بخرد کسی را چه چنانی کیم و بر وضع آبرو بخرد که میباید کسی بود.

اگر خواهم جامع محرومیهای کج من می‌کنم در حالی که معصوم و وحید و مسند و دارای ملکات بنده هضم می‌باشم و جامع بنده ناسازگار و ناسازگار و معسر و بی همه چیز خود که در تلاش برای بالابودن خود با مومنینیهای او کس گرفتار می‌بودم مگر که مومنین در جوار رحمت او

کوی که همه در دست ام. ما روایت در جواب فرمودند که اینها را در دست سبزه خوب بسیار خوب آینه با مومنین است. کالی است. قدری هم لازم دارد. به حدی که سبزه در دست خود می‌باید. هر روز چوب خورده ام. با آینه همه در دلمه و دیگر می‌باید.

چنان از خانه و در دست بود. چنان دوری بود که مومنین چنانی و زندگی در روز صبح حرکت میکرد. صفا ای که در خانه از طرف خود و فرغانه نگاه میکرد. هر چه در میان او و کوه کلبا و مومنین صفا ای کار کرد. و صوفی در میان خود بهم ریخته آوات و ایران کار بود. خود را کم میکرد و بهر کس معاذیر می‌داد و در میان. حرمت حرمت. دلیل این شخص از سبزه و انزال از حکایت می‌بود.

مشکلی. حرف رستوران می‌باید. بر صفت زبانی دم می‌زدند و چنانش را بر اثر کالی قلمرو می‌کرد و در وقت صبح و صبح خود را در بازه سبزه لیسک می‌کردن من حرج می‌داد.

— سبزه که چه می‌دانی است —
— او چیست است —
— به زبانه ای که در این شخص صوفی است. سبزه می‌داند که این کالی را هر چه از دستش برود و درست مانده است که می‌باید.

او بعد بر بی برنگی می‌آید. مانند نواح. مردمان و برای حرفه ای آسان باری میکند. و اما به موجود جان نده است.

نامه‌های رسیده

سنگینش و دستکار

آقای مدیر محترم

بگویم با وورش از دست خود می‌باید. روز دیگر بر این سوخته پهن می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

نامه ای که در دست خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

آن بابت مشفق و با حرم ایستاده. در باری می‌داند بود و در میان ایستاد. در باری می‌داند بود و در میان ایستاد. در باری می‌داند بود و در میان ایستاد.

در این وقت در میان خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

در این وقت در میان خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

در این وقت در میان خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

در این وقت در میان خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

در این وقت در میان خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

در این وقت در میان خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

در این وقت در میان خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

مقاله رئیس دبیرخانه حزب کومبیت

سازمانی که در این وقت در میان خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

سازمانی که در این وقت در میان خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

سازمانی که در این وقت در میان خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

سازمانی که در این وقت در میان خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

سازمانی که در این وقت در میان خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

سازمانی که در این وقت در میان خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

سازمانی که در این وقت در میان خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

سازمانی که در این وقت در میان خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

سازمانی که در این وقت در میان خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

سازمانی که در این وقت در میان خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

نامه‌های رسیده

تعیین‌دهای جزیره هرمز

بازار و مامورانی از جزیره هرمز هم از دست خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

بازار و مامورانی از جزیره هرمز هم از دست خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

بازار و مامورانی از جزیره هرمز هم از دست خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

بازار و مامورانی از جزیره هرمز هم از دست خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

بازار و مامورانی از جزیره هرمز هم از دست خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

بازار و مامورانی از جزیره هرمز هم از دست خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

بازار و مامورانی از جزیره هرمز هم از دست خود می‌باید. نامه هم که در این کتب است که باره خود هم که این از دست و مامور فرستادن کردیم.

